4شنبه 22/12/1403-11رمضان 1446 -12مارس 2025 – درس 108 فقه رهبری سازمانی – شرائط و موانع اثر بخشی رهبری سازمانی – عفت[[1]](#footnote-1) و تهتک[[2]](#footnote-2)

مسال98: : مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی انگیزه بخش ملزم به تزین خود به عفت هستند در امور اقتصادی ،اعتقادی و اخلاقی و....و باید در این امور نفس خود را از آنچه در شرع ممنوع شده است بازدارند .

***شرح مساله*** : معلوم شد که محور مدیریت رفتار سازمانی به هدف ایجاد انگیزش در کارکنان سامان گرفته است با این فلسفه که رفتار های سازمانیان اگر به خوبی مدیریت شود و رفتارها مبتنی بر مکارم و جنود عقل و فضائل انسانی اسلامی صورت پذیرد میوه شیرین آن انگیزش همکاران خواهد بود و به عکس رفتار ها ی مبتنی بر جنود جهل ورذائل اخلاقی و مکاره اخلاقی رقم بخورد به ضد انگیزش منجر میشود این ادعا در نظریه مدیریت اسلامی به اثبات رسیده است . این مدیریت دارای چهار رکن است که رکن رهبری سازمانی اصلی ترین ارکان اربعه است نوبت هایی است فروعی را در باب رکن رهبری به عنوان وظیفه ای از وظائف مدیر مطرح کرده ایم که ذیل عنوان شرائط و موانع اثر بخشی سازمانی طرح میشوند این نوبت به عفت وتهتک به عنوان شرط و مانع میپردازیم شرطیت و مانعیت از احکام وضعیه ای هستند که موضوع احکام تکلیفیه قرار میگیرند . عفت مدیران شرط و تهتک آنان مانع صحت فعل رهبری سازمانی است . مدیر عفیف به انجام رهبری صحیح موفق است و مدیر متهتک نه. عفت را کف النفس از حرام میدانند و مینامند [[3]](#footnote-3).عفت را نقطه میانه شره و خمود میدانندیعنی نقطه تعادل بین شهوترانی و شهوت سوزی بین افراط و تفریط در قوه شهویه . عفت شعبه عدالت در قوه شهویه است . پس عفیف عادل و متعادل است . انسان پاک اعم از پاک چشمی ، پاک دامنی ، پاک دستی ،پاک بطنی و... که از علائم اصلی شایستگی است مدیر صالح مدیر راهبر موثر باید عفیف باشد تا فرهنگ عفت و پاکی را نشر دهد و کارکنان را هم با عفت دمساز کند .

ودر جهت ضد نباید متهتک باشد یعنی هتک حریم وحرمات کند مراعات حدود وحقوق و خطوط قرمز اخلاقی را نکند پرده دری کند هم در رفتار و گفتار خودش و هم در رفتار و گفتار پیرامونیان خود . در اخبار از عالم متهتک[[4]](#footnote-4) به عنوان یک خطر یاد شده است که دین را تخریب میکند یعنی دانشمند لا ابالی که علمش مانع پرده دری اش نیست بلکه آن را تقویت میکند که شامل مدیران راهبر هم میشود که اگر متهتک باشند نتیجه عکس میگیرند و به انگیزش کارکننان منتهی نمیشوند. در مقابل جاهل متنسک که همان نادان عابد است مقدس متحجر که مثل دو لبه قیچی عمل میکنند و کمر دین و نظام دینی را میشکنند بین آیندو میتوان عفیف را آورد که عالم پاک دل و غیر هتاک است . لذا رهبری باید عفیف باشد لقوله تعالی :" والیستعفف ..." که ظاهر در الزام به عفاف است که در مورد عفاف جنسی و نکاحی وارد شده است کسانیکه نکاح مشروع را نمی یابند به هردلیل واجب است عفیف باشند تا یافتن نکاح و همسر دائم یا موقت . ولی مورد مخصص نیست در ایه دیگر استعفاف که طلب عفت است را در پاکدستی آورده است :" وَ مَنْ كانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ "[[5]](#footnote-5) وبا توجه به مفهوم وسیع عفت [[6]](#footnote-6)که شامل عفت در کلام و نگاه و بطن و دست و دل هم میشود کمامر چنین عفتی عقلا وشرعا واجب است یعنی خود داری از گناه و خویشتن داری از محرمات امری واجب است اصولا جوارح و جوانح را از آلودگی باز داشتن نمیتواند واجب نباشد زیرا عدم وجوب آن به معنای جواز هتک است و هتک از جنود جهل است به آن میدان داده میشود در حالیکه هتک قطعا حرام است احکام زیادی را با خود دارد مفهوما که جنس آنها وجوب اجتناب از مناهی و ملاهی است کقوله تعالی :" قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّيَ الفواحش ما ظهر منها و ما بطن " [[7]](#footnote-7)که با عموم و اطلاق خود شامل هر نوع فاحشه و گناه پرده درانه میشود واصولا ارتکاب هر گناهی هتک حریم مولا است و در قرق او وارد شدن است ورود بدون مجوز در حمی الله است که همان قرقگاه شارع است که نباید به خطوط آن و مرز های آن نزدیک شد لذا عدم قرب و اعتداء به حدود الهی را حرام میکند(قل انما حرم ربی ) صریح و نص است در حرمت فواحش ظاهری و باطنی است . متهتک اهل حریم نگه اری نیست و نزدیک به هر گناهی میشود لذا وقتی تهتک حرام قطعی است عفت که ضد آن است[[8]](#footnote-8) و خویشتنداری از هتک حریم ومولا است نیز واجب میشود . و چه بسا بتوانیم بگوییم که عفت یعنی عدم هتک و تهتک. هتاک مراعات حد مولا نمیکند و عفیف مراعات میکند ضدانی هستند که لا ثالث لهما عدم پرده دری یعنی عفت و پرده دری یعنی هتک که شامل همه احکام خدا میشود که حمی الله هستند قرق هستند نباید مورد معصیت قرار گیرند لقوله ع :" المعاصی حمی الله عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ يَرْتَعْ حَوْلَهَا يُوشِكْ أَنْ يَدْخُلَهَا." [[9]](#footnote-9) و قوله ص :" أَلَا وَ إِنَّ حِمَى‏ اللَّهِ‏ مَحَارِمُهُ، فَمَنْ أَرْتَعَ حَوْلَ الْحِمَى كَانَ قَمِناً أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ»."[[10]](#footnote-10)و :" إِنَّ حِمَى‏ اللَّهِ‏ حَلَالُهُ وَ حَرَامُهُ وَ الْمُشْتَبِهَاتُ بَيْنَ ذَلِكَ، كَمَا لَوْ أَنَّ رَاعِياً رَعَى إِلَى جَانِبِ الْحِمَى لَمْ تَثْبُتْ غَنَمُهُ أَنْ تَقَعَ فِي وَسَطِهِ، فَدَعُوا الْمُشْتَبِهَاتِ." [[11]](#footnote-11) و فی الدعوات الماثوره منهم علیهم السلام :" أَصْبَحْتُ فِي حِمَى‏ اللَّهِ‏ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ وَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَرُ وَ فِي حَبْلِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُجْذَمُ وَ فِي جِوَارِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُسْتَضَامُ وَ فِي مَنْعِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُدْرَكُ وَ ***فِي سِتْرِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ*** وَ فِي عَوْنِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُخْذَلُ "و...."أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ فِي حِمَى‏ اللَّهِ‏ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ وَ ***سِتْرِهِ الَّذِي لَا تَهْتِكُهُ الرِّيَاحُ*** وَ لَا تُحْرِقُهُ الرِّمَاحُ وَ ذِمَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَرُ وَ فِي عِزَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُسْتَذَلُّ وَ لَا تُقْهَرُ وَ فِي حِزْبِهِ الَّذِي لَا يُغْلَبُ وَ فِي جُنْدِهِ الَّذِي لَا يُهْزَمُ " [[12]](#footnote-12) این اخبار دارای ضعف سند هستند ولی منجبر به شهرت روایی و عملی هستند و علماء اصول الفقه از آن بهره کافی در باب اصول عملیه برده اند . دلالت ظاهره دارند در این که حلال و حرام خدا یعنی احکام خدا که محارم خدا و معاصی خدا هم نام دارند حمی الله اند که نباید به آنها نزدیک شد اگر بین وروشن وصریح باشند واگر هم مشتبه شوند احتیاطا نباید مورد تعرض و تهتک قرار گیرند نباید مورد معصیت و هتک قرار گیرند .

بنابراین اگر عفت در رهبری سازمانی ملکه و نهادینه شود اعم از اقتصادی اخلاقی و اعتقادی و .... رهبری صحیح واقع میشود یعنی اثر انگیزش بر آن مترتب میشود وضعا و استعفاف هم الزامی است تکلیفا لقوله تعالی :" فالیستعفف" در اقتصادیات و مشتهیات کما مر.

فتحصل : مدیران در مقام ایفای نقش رهبری سازمانی انگیزه بخش ملزم به تزین خود به عفت هستند در امور اقتصادی ،اعتقادی و اخلاقی و باید در این امور نفس خود را از آنچه در شرع ممنوع شده است بازدارند .(والله العالم)

1. **عفت** در [لغت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%84%D8%BA%D8%AA" \o "لغت" \t "_blank)، به معنای خودنگهداری و در اصطلاح اخلاق، به معنی خویشتن‌داری در برابر تمایلات افراط‌گونه نسبت به لذت‌های مادی و نفسانی است.  
   عفت یکی از فضائلی است که در [قرآن](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86" \o "قرآن" \t "_blank) مورد توجه واقع شده است و در تفکر اسلامی عفت شامل منزه‌بودن و پاکی دست و زبان و شکم و دامن از هرگونه عیب و بدی است و زیربنای [علم اخلاق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85_%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82" \o "علم اخلاق" \t "_blank) است.

   عفت در [لغت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%84%D8%BA%D8%AA)، خودنگهداری و پدید آمدن حالتی برای [نفس](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%81%D8%B3" \o "نفس" \t "_blank) و [جان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D8%A7%D9%86" \o "جان" \t "_blank) آدمی است که به وسیله آن از غلبه و تسلط [شهوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%AA" \o "شهوت" \t "_blank) جلوگیری می‌شود و اصلش بسنده کردن در گرفتن چیز اندک است.  
   و طلب عفت و [پاکدامنی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%A7%DA%A9%D8%AF%D8%A7%D9%85%D9%86%DB%8C" \o "پاکدامنی" \t "_blank) و بازایستادن از [حرام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%85" \o "حرام" \t "_blank)، [استعفاف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D8%AA%D8%B9%D9%81%D8%A7%D9%81" \o "استعفاف" \t "_blank) نام دارد.

   [[۱]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot1)

   ح اخلاق، به معنی خویشتن‌داری در برابر تمایلات افراط‌گونه نسبت به لذت‌های مادی و نفسانی، که نقطه مقابل شهوت است، گفته می‌شود و باید [قوه شهوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D9%88%D9%87_%D8%B4%D9%87%D9%88%D8%AA" \o "قوه شهوت" \t "_blank) در خوردن و [آمیزش جنسی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D9%85%DB%8C%D8%B2%D8%B4_%D8%AC%D9%86%D8%B3%DB%8C" \o "آمیزش جنسی" \t "_blank)، مطیع [عقل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%82%D9%84" \o "عقل" \t "_blank) باشد و از چیزی که عقل و [شرع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D8%B9" \o "شرع" \t "_blank) [نهی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%87%DB%8C" \o "نهی" \t "_blank) کرده، اجتناب نماید و این حد اعتدال در شرع، ستوده شده است.

   [[۲]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot2)

   عفت یک عامل بازدارنده از حرکات مضر و زیان‌بار و کنترل کننده‌ای است که انسان را در مقابل انواع شهوت‌ها و تمایلاتی چون شهوت جنسی، مالی، و... باز می‌دارد و از این جهت یک ضرورت و خصلت لازم برای انسان به حساب می‌آید و باعث اعتبار و بالا رفتن ارزش و بهاء [انسان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86" \o "انسان" \t "_blank) می‌گردد.  
   عفت زیربنای [علم اخلاق](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85_%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82" \t "_blank" \o "علم اخلاق) است زیرا علمای اخلاق زیر بنای اخلاق نیک را چهار چیز شمرده‌اند: [حکمت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA" \o "حکمت" \t "_blank)، [شجاعت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%AC%D8%A7%D8%B9%D8%AA" \o "شجاعت" \t "_blank)، [عدالت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D9%84%D8%AA" \o "عدالت" \t "_blank) و عفت.  
   در تفکر اسلامی عفت شامل منزه‌بودن و پاکی دست و زبان و شکم و دامن از هر گونه عیب و بدی است لذا عفت معنای عامی داشته و تمامی امور نفسانی را شامل می‌شود، مانند: پاکی چشم، پاکی زبان، ... و منحصر به پاک‌دامنی نیست ولی در فرهنگ اجتماعی ما مسئله عفت بیشتر در پاکدامنی زن و مرد مطرح است.  
   در روایات، از عفت و پاکدامنی، به بالاترین شرافت‌ها، نتیجه عقل، برترین [عبادت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D8%A8%D8%A7%D8%AF%D8%AA" \o "عبادت" \t "_blank)، کمال [نعمت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B9%D9%85%D8%AA" \o "نعمت" \t "_blank) و به معنای خویشتن‌داری در کردار و گفتار تعبیر شده است، [امام علی (علیه‌السلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%85%D8%A7%D9%85_%D8%B9%D9%84%DB%8C_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "امام علی (علیه‌السلام)" \t "_blank) می‌فرماید: مجاهدی که در راه خدا به [شهادت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%87%D8%A7%D8%AF%D8%AA" \o "شهادت" \t "_blank) می‌رسد پاداشش از کسی که توان انجام [گناه](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%AF%D9%86%D8%A7%D9%87" \o "گناه" \t "_blank) را دارد ولی خود را کنترل می‌کند و عفت به خرج می‌دهد بیشتر نیست. انسان پاک نزدیک است فرشته‌ای از فرشتگان گردد. چرا چنین نباشد، در حالی که انسان عفیف در [جهاد اکبر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D8%AF_%D8%A7%DA%A9%D8%A8%D8%B1" \o "جهاد اکبر" \t "_blank) به پیروزی رسیده، ولی مجاهد فی سبیل‌الله، پیروزی را در [جهاد اصغر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%87%D8%A7%D8%AF_%D8%A7%D8%B5%D8%BA%D8%B1" \o "جهاد اصغر" \t "_blank) به دست آورده است.  
   تنها دین نیست که ما را به عفاف و پاکدامنی فرا می‌خواند، بلکه این ندا از درون آدمی نشات می‌گیرد، که دین نیز آن را تایید می‌نماید. [غیرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%BA%DB%8C%D8%B1%D8%AA" \o "غیرت" \t "_blank)، [جوانمردی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D9%88%D8%A7%D9%86%D9%85%D8%B1%D8%AF%DB%8C" \o "جوانمردی (پیوندی وجود ندارد)) و کرامت نفسانی همگی انسان را به عفاف دعوت می‌کنند که طبق روایت، عفت و پاکدامی اصل جوانمردی است علاوه بر این، هویت انسان در سایه قوام عفاف آشکار می‌گردد، از این‌رو از متون دینی نیز می‌توان دریافت که رابطه‌ای معقول و منطقی بین رشد عفاف و عقل وجود دارد و تعاملی متقابل بین این دو برقرار می‌باشد، به همین جهت امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: هر آن کس که عقل دارد، عفاف می‌ورزد، زیرا منشا هر دو صفت، حرکت به سوی تعادل و پرهیز از [افراط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%B7" \o "افراط" \t "_blank) و [تفریط](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%81%D8%B1%DB%8C%D8%B7" \o "تفریط" \t "_blank) است.

   وقتی می‌گوئیم شهوت، فقط شهوت جنسی مراد نیست بلکه مفهوم عام آن مراد است، مثل شهوت مال، جاه، خوردن، تکلم‌کردن و...، عفت در همه این‌ها کنترل کننده است. [۳]عفت از مهم‌ترین فضایل انسانی محسوب می‌شود، برخی برای معرفی آن از، ضدش [هتّاکی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%87%D8%AA%D8%A7%DA%A9%DB%8C" \o "هتاکی (پیوندی وجود ندارد)) (پرده‌دری) استفاده می‌کنند به همین علت در بسیاری از موارد عفت را در مورد [پرهیزکاری](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%B1%D9%87%DB%8C%D8%B2%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C" \o "پرهیزکاری" \t "_blank) در خصوص، مسایل جنسی استعمال کرده‌اند، در حقیقت عفت حد [اعتدال](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8%AF%D8%A7%D9%84" \o "اعتدال" \t "_blank) [شرّه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D9%87" \o "شره" \t "_blank) و [خمودی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%85%D9%88%D8%AF%DB%8C" \o "خمودی (پیوندی وجود ندارد)) است.  
   شرّه فرو رفتن انسان در شهوات است و خمودی یعنی بی‌حرکتی در جهت لذات مشروع که [بدن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%AF%D9%86" \o "بدن" \t "_blank) به آن‌ها به‌طور طبیعی و از سر ضرورت بدنی، احتیاج دارد. [پاکدامن](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%A7%DA%A9%D8%AF%D8%A7%D9%85%D9%86" \o "پاکدامن" \t "_blank) کسی است که اعمالش مطابق [شریعت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D8%B9%D8%AA" \o "شریعت" \t "_blank)، [عقل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%82%D9%84) و جوانمردی باشد.

   **[۶ - نتایج عفت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D9%86%D8%AA%D8%A7%DB%8C%D8%AC%20%D8%B9%D9%81%D8%AA)**

   [شرم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%D9%85" \o "شرم" \t "_blank)، [پرهیز](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D8%B1%D9%87%DB%8C%D8%B2" \o "پرهیز" \t "_blank)، [شکیبایی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9%DB%8C%D8%A8%D8%A7%DB%8C%DB%8C" \o "شکیبایی" \t "_blank)، [بخشندگی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D8%AE%D8%B4%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C" \o "بخشندگی" \t "_blank)، [قناعت](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D9%86%D8%A7%D8%B9%D8%AA" \o "قناعت" \t "_blank)، [نرم‌خویی](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B1%D9%85%E2%80%8C%D8%AE%D9%88%DB%8C%DB%8C" \o "نرم‌خویی" \t "_blank)، [نظم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B8%D9%85" \o "نظم" \t "_blank)، [پندپذیری](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%BE%D9%86%D8%AF%D9%BE%D8%B0%DB%8C%D8%B1%DB%8C" \o "پندپذیری" \t "_blank)، [خوش‌رفتاری](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%88%D8%B4%E2%80%8C%D8%B1%D9%81%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C" \o "خوش‌رفتاری" \t "_blank) و [وقار](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%88%D9%82%D8%A7%D8%B1" \o "وقار" \t "_blank) در نتیجه عفت‌ورزی بوجود می‌آیند.

   [[۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot5)

   **[۷ - دامنه عفاف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%AF%D8%A7%D9%85%D9%86%D9%87%20%D8%B9%D9%81%D8%A7%D9%81)**

   بررسی ابعاد مختلف عفاف و گستره آن در شئونات فردی و اجتماعی دامنه وسیعی دارد که با استفاده از [قرآن](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D8%B1%D8%A2%D9%86) و [سنت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D9%86%D8%AA" \o "سنت" \t "_blank) به چند مورد اشاره می‌کنیم.

   **[۷.۱ - در فکر](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%AF%D8%B1%20%D9%81%DA%A9%D8%B1" \o "در فکر)**

   عقل یکی از عوامل مؤثر در تعدیل خواهش‌های نفسانی و رام‌کردن غرایز بشری است، هرچه تفکر انسان متعادل شود و با فطرت کمال‌جویی او (خالی از هرگونه زشتی) بیشتر منطبق باشد سریع‌تر راه تکامل را می‌پیماید، عقل انسان به میزان عفت و قناعتش سنجیده می‌شود.

   **[۷.۲ - در نگاه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%AF%D8%B1%20%D9%86%DA%AF%D8%A7%D9%87" \o "در نگاه)**

   چشم دروازه دل است و آن‌چه از این دریچه وارد وجود شخص می‌شود گاهی او را به [سعادت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%B9%D8%A7%D8%AF%D8%AA" \o "سعادت" \t "_blank) و گاهی به [شقاوت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D9%82%D8%A7%D9%88%D8%AA" \o "شقاوت" \t "_blank) می‌کشاند، لذا عفت در نگاه توصیه شده که انسان خود را از نگاه‌های آلوده برحذر دارد، افراد چشم‌چران دچار اضطراب و نگرانی هستند که به دنبال آن طمع هوس‌آلود باعث رسوایی ایشان می‌شود.

   **[۷.۳ - در معاشرت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%AF%D8%B1%20%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%B4%D8%B1%D8%AA" \o "در معاشرت)**

   از دیدگاه [اسلام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85" \o "اسلام" \t "_blank) مشارکت اجتماعی زنان و تعامل و ارتباط بین [زن](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B2%D9%86" \o "زن" \t "_blank) و [مرد](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B1%D8%AF" \o "مرد" \t "_blank) در اجتماع داری آدابی است که آن را عفت اجتماعی می‌نامند (که پرهیز از خلوت و گفتگوهای فتنه‌انگیز و دست‌دادن و استعمال عطر و.... از آن جمله آن‌هاست).

   **[۷.۴ - در زینت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%AF%D8%B1%20%D8%B2%DB%8C%D9%86%D8%AA" \o "در زینت)**

   تمایل انسان به زیبایی و جمال با سرشت آمیخته شده ولی این حس نباید از حد اعتدال خود تجاوز کند. افراط در آن، [تجمل‌گرایی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%AC%D9%85%D9%84%E2%80%8C%DA%AF%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C" \o "تجمل‌گرایی" \t "_blank) و [خودآرایی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%88%D8%AF%D8%A2%D8%B1%D8%A7%DB%8C%DB%8C" \o "خودآرایی (پیوندی وجود ندارد)) و بی‌عفتی را به دنبال دارد که عوارض نامطلوبی را دارد.

   **[۷.۵ - در کلام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%AF%D8%B1%20%DA%A9%D9%84%D8%A7%D9%85" \o "در کلام)**

   عفت در کلام هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه‌آلود و مخالف حق را نفی می‌کند و همچنین هرگونه ناز و غمزه در کلام و تغییر صدا که افراد شهوت‌ران را به فکر گناه می‌افکند، مردود می‌داند.  
   [کلام](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%A9%D9%84%D8%A7%D9%85" \o "کلام" \t "_blank) و [قلم](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%82%D9%84%D9%85" \o "قلم" \t "_blank) از حد وسط عفت، بی‌نصیب نیستند و از جمله واجبات اخلاقی [عفت کلام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA_%DA%A9%D9%84%D8%A7%D9%85" \o "عفت کلام (پیوندی وجود ندارد)) و قلم است، نه یکی را که حقش نیست بسیار بالا برد و نه بالعکس.

   [[۶]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot6)

   **[۷.۶ - در ستر و حجاب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%AF%D8%B1%20%D8%B3%D8%AA%D8%B1%20%D9%88%20%D8%AD%D8%AC%D8%A7%D8%A8" \o "در ستر و حجاب)**

   قرآن، عفت در ستر را گاهی پوشاندن اعضاء و [ستر عورت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B3%D8%AA%D8%B1_%D8%B9%D9%88%D8%B1%D8%AA" \o "ستر عورت (پیوندی وجود ندارد)) و حفظ بدن و گاهی وسیله، [احترام](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%AD%D8%AA%D8%B1%D8%A7%D9%85" \o "احترام" \t "_blank) و شخصیت زن و بازدارنده از دستبرد آزار مزاحمان معرفی می‌کند.

   **[۷.۷ - در مورد شکم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%AF%D8%B1%20%D9%85%D9%88%D8%B1%D8%AF%20%D8%B4%DA%A9%D9%85" \o "در مورد شکم)**

   در مورد [شکم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%DA%A9%D9%85" \o "شکم" \t "_blank) هم حد وسط مطلوب است و نباید برخی از روایاتی که در [مدح](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%AF%D8%AD" \o "مدح" \t "_blank) و فضیلت افراط در [گرسنگی](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%AF%D8%B1%D8%B3%D9%86%DA%AF%DB%8C" \o "گرسنگی" \t "_blank) آمده ما را به اشتباه اندازد، [حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%B6%D8%B1%D8%AA_%D8%B1%D8%B3%D9%88%D9%84_(%D8%B5%D9%84%DB%8C%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D9%84%D9%87%E2%80%8C%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%E2%80%8C%D9%88%E2%80%8C%D8%A2%D9%84%D9%87%E2%80%8C%D9%88%D8%B3%D9%84%D9%91%D9%85)" \o "حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم)" \t "_blank) می‌فرماید: «طوبی لِمَنْ ظَمِیءَ اَوْ جاعَ للهِ؛

    خوشا به حال کسی که برای [خدا](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7" \o "خدا" \t "_blank) [تشنگی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D8%B4%D9%86%DA%AF%DB%8C" \o "تشنگی" \t "_blank) یا [گرسنگی](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%AF%D8%B1%D8%B3%D9%86%DA%AF%DB%8C) کشد.»  
   شارع مقدس باید در مقابل طبع سرکش، چنین سخن گوید و این از اسرار و [حکمت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%AA) [شریعت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B4%D8%B1%DB%8C%D8%B9%D8%AA) است که هر وقت طبع انسان جانب افراط چیزی را [طلب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B7%D9%84%D8%A8" \o "طلب" \t "_blank) کند، شرع مبالغه و افراط در منع از آن می‌کند تا فرد به حال [اعتدال](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B9%D8%AA%D8%AF%D8%A7%D9%84) برگردد.

   [

   بنابراین افراط در گرسنگی ممدوح نیست، چون غرض از [خلقت انسان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D9%84%D9%82%D8%AA_%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86" \o "خلقت انسان" \t "_blank)، [بندگی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C" \o "بندگی" \t "_blank) کردن است و آن موقوف است به قوت و [نشاط](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B4%D8%A7%D8%B7" \o "نشاط" \t "_blank) طبع، شکی نیست که گرسنگی بسیار، قوت را زایل می‌کند و نشاط را از بین می‌برد، پس مراد،‌ اندک خوردن است به حدی که آدمی، سنگینی غذا را نفهمد.

   [[۱۱]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot11)

   **[۸ - مصادیق آیات عفت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D9%85%D8%B5%D8%A7%D8%AF%DB%8C%D9%82%20%D8%A2%DB%8C%D8%A7%D8%AA%20%D8%B9%D9%81%D8%AA)**

   در چند [آیه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%DB%8C%D9%87" \o "آیه" \t "_blank) به مسئله عفت پرداخته شده است، از جمله: «وَلْیَسْتَعْفِف الّذینَ لا یَجِدونَ نکاحاً حَتّی یُغنیَهُمُ اللهُ مِنْ فَضْلِهِ...؛

   [[۱۲]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot12)

    و کسانی که امکانی برای [ازدواج](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC" \o "ازدواج" \t "_blank)، نمی‌یابند، باید پاکدامنی پیشه کنند تا [خداوند](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF" \o "خداوند" \t "_blank) از [فضل](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%81%D8%B6%D9%84" \o "فضل" \t "_blank) خود آنان را بی‌نیاز گرداند.»

   **[۸.۱ - تشویق شرع بر امر ازدواج](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%AA%D8%B4%D9%88%DB%8C%D9%82%20%D8%B4%D8%B1%D8%B9%20%D8%A8%D8%B1%20%D8%A7%D9%85%D8%B1%20%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC" \o "تشویق شرع بر امر ازدواج)**

   [غریزه جنسی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%BA%D8%B1%DB%8C%D8%B2%D9%87_%D8%AC%D9%86%D8%B3%DB%8C" \o "غریزه جنسی" \t "_blank) از نیرومندترین و سرکش‌ترین غرائز [انسان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%A7%D9%86) است که به تنهایی با دیگر غرائز برابری می‌کند، [انحراف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%86%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%81" \o "انحراف" \t "_blank) آن نیمی از [دین](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AF%DB%8C%D9%86" \o "دین" \t "_blank) و [ایمان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86" \o "ایمان" \t "_blank) انسان را به خطر خواهد انداخت به همین جهت در این آیه و هم‌چنین در [روایات](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D9%88%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D8%AA" \o "روایات" \t "_blank) متعددی [مسلمانان](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B3%D9%84%D9%85%D8%A7%D9%86%D8%A7%D9%86" \o "مسلمانان" \t "_blank) تشویق به همکاری در امر ازدواج و هرگونه کمک ممکن به این امر شده است از جمله این‌که پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌وسلّم) می‌فرماید: «مَنْ زَوَّجَ اَخاهُ المُؤمِنَ اِمرَأةً یَأنَسُ بِها وَ تَشُدُّ عَضُدَهُ وَ یَسْتَریحُ اِلَیْها زَوّجَهُ اللهُ...؛

   [[۱۳]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot13)

    هرکه برادر [مؤمن](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%A4%D9%85%D9%86" \o "مؤمن" \t "_blank) خود را زن دهد تا آن زن همدم و مایه پشت‌گرمی و [آسایش](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%D8%B3%D8%A7%DB%8C%D8%B4" \o "آسایش (پیوندی وجود ندارد)) او باشد خداوند او را از [حورالعین](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%84%D8%B9%DB%8C%D9%86" \o "حورالعین" \t "_blank) [بهشت](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A8%D9%87%D8%B4%D8%AA" \o "بهشت" \t "_blank) زن دهد...»  
   در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بر عهده پدران وجود دارد و پدرانی که در این مسأله حیاتی، بی‌تفاوت هستند در نگاه برخی اندیشمندان مسلمان شریک جرم انحراف فرزندان شمرده شده‌اند.

   [[۱۴]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot14)

   برخی از مفسران، قدرت‌نداشتن بر ازدواج را، عاجزبودن از [نفقه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%86%D9%81%D9%82%D9%87" \o "نفقه" \t "_blank) و [مهریه](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D9%87%D8%B1%DB%8C%D9%87" \o "مهریه" \t "_blank) می‌دانند.

   [[۱۵]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot15)

   **[۹ - آثار و نتایج عفت‌ورزی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%A2%D8%AB%D8%A7%D8%B1%20%D9%88%20%D9%86%D8%AA%D8%A7%DB%8C%D8%AC%20%D8%B9%D9%81%D8%AA%E2%80%8C%D9%88%D8%B1%D8%B2%DB%8C)**

   ۱- استحکام [خانواده](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%88%D8%A7%D8%AF%D9%87" \o "خانواده" \t "_blank) و پاکی نسل انسان: اگر عفاف در جامعه کاملاً‌ رعایت شود روابط جنسی به محیط خانواده محدود شده، ثبات و استحکام خانواده بیشتر می‌شود و باعث شناخته شدن نسل‌ها و تقویت و پیوند بین زن و شوهر می‌شود.  
   ۲- آرامش روانی و تمرکز حواس: عفاف، بازدارنده بسیاری از التهابات و هیجانات روحی است چنان‌چه رعایت آن از انحراف فکر و ذهن کاسته و حواس افراد را متوجه ارزش‌های واقعی می‌نماید.  
   ۳- سلامت جامعه و فرد: حضور زنان و مردان در صورتی که موجب تحریک و شائبه نباشد جامعه را استوار و مستحکم کرده و زمینه پیشرفت آن [جامعه](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D9%87" \o "جامعه" \t "_blank) را فراهم می‌سازد و فرد نیز از بسیاری از آلودگی‌های جسمی در امان می‌ماند.  
   و همچنین عفت موجب تزکیه اعمال، تضعیف و کاهش شهوات، سبک‌شدن بار [گناهان](https://fa.wikifeqh.ir/%DA%AF%D9%86%D8%A7%D9%87%D8%A7%D9%86" \o "گناهان" \t "_blank)، عزت یافتن، بالا رفتن قدر و منزلت نزد [خداوند](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AE%D8%AF%D8%A7%D9%88%D9%86%D8%AF) و مایه حفظ آبرو می‌شود که شخصیت هر فردی در گرو حفظ این سرمایه والای انسانی است.

   **[۱۰ - راه‌های ترویج عفاف](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "%D8%B1%D8%A7%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C%20%D8%AA%D8%B1%D9%88%DB%8C%D8%AC%20%D8%B9%D9%81%D8%A7%D9%81)**

   طبق روایات وارده از [معصومین (علیهم‌السلام)](https://fa.wikifeqh.ir/%D9%85%D8%B9%D8%B5%D9%88%D9%85%DB%8C%D9%86_(%D8%B9%D9%84%DB%8C%D9%87%D9%85%E2%80%8C%D8%A7%D9%84%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85)" \o "معصومین (علیهم‌السلام)" \t "_blank) بهترین عواملی که برای پدید آمدن عفت در وجود انسان کمک می‌کنند عبارتند از: تقویت [ایمان](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%DB%8C%D9%85%D8%A7%D9%86)، چشم‌پوشی از گناه، کثرت یاد مرگ، تهدید نفس به عذاب الهی، [توکل](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%88%DA%A9%D9%84" \o "توکل" \t "_blank) و استعانت از خداوند، قناعت‌ورزیدن و راضی‌بودن به‌اندازه احتیاجات و ضروریات زندگی و در جامعه نیز دادن آگاهی فرهنگی و اجتماعی به مردم و معرفی الگوهای مناسب و تسهیل در امر ازدواج و جلوگیری از مفاسد اجتماعی و.... را می‌توان نام برد.  
   امروزه بشریت علی‌رغم دستیابی به تکنیک و تمدن در پدیده شوم ابتذال و بی‌بندوباری، سخت حیران و سرگردان است که باعث دستیابی سردمداران استکبار جهانی به اهداف سیاسی و اقتصادی خود شده است، در یک جمله می‌توان گفت: همه بی‌عفتی‌های موجود در دنیای امروز تحقیر کردن اصول عفاف و تقوای در امور جنسی است.  
   پس این سرمایه ارزشمند پیوسته نیاز به پرورش دارد و تعقل و‌ اندیشه و حلم و علم، مایه فزونی آن می‌گردد صیانت و حفاظت از ارزش‌ها به عهده عفتی نهاده شده است که در سایه سار صفات کمال، بارور می‌شود.  
   پاک‌بودن محیط، تربیت خانوادگی، [علم](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D9%85" \o "علم" \t "_blank) و [آگاهی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A2%DA%AF%D8%A7%D9%87%DB%8C" \o "آگاهی" \t "_blank) بر پیامدهای [رذایل اخلاقی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B1%D8%B0%D8%A7%DB%8C%D9%84_%D8%A7%D8%AE%D9%84%D8%A7%D9%82%DB%8C" \o "رذایل اخلاقی" \t "_blank)، [حجاب](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%AD%D8%AC%D8%A7%D8%A8" \o "حجاب" \t "_blank) و ترک خودآرایی در انظار عموم، عدم اختلاط زن و مرد و

   [[۱۶]](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%81%D8%AA" \l "foot16)

   [اشباع](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%A7%D8%B4%D8%A8%D8%A7%D8%B9" \o "اشباع" \t "_blank) صحیح امیال و خواست‌های جنسی و برنامه‌ریزی دقیق برای [زندگی](https://fa.wikifeqh.ir/%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C" \o "زندگی" \t "_blank) و مجال نداشتن برای کشیده‌شدن به آلودگی‌های شهوانی از طرق پیشگیری از بی‌عفتی می‌باشد.[۱۷] [↑](#footnote-ref-1)
2. معنی تهتک . [ ت َ هََ ت ْ ت ُ ] (ع مص ) رسوا شدن . (تاج المصادر بیهقی ) (دهار) (منتهی الارب ) (ناظم الاطباء). افتضاح . (اقرب الموارد). پرده دریدن وپرده دری و بی تخمگی و رسوائی . (غیاث اللغات ) (آنندراج ) : به لهو و نشاط و آداب آن مشغول میباشدو بدانجای تهتک است . (تاریخ بیهقی چ ادیب ص 393).  
   دولت ز مهتر متهتک جدا سزد  
   از تو جدا مباد که بس بی تهتکی .  
   سوزنی .  
   ما را در کام نهنگ با زورو تهتک انداختی . (جهانگشای جوینی ).  
   با کبی خویان تهتکها چه کرد  
   با نبی رویان تنسکها چه کرد.  
   مولوی .  
   || دریده و شکافته گردیدن پرده . (منتهی الارب ) (ناظم الاطباء) (از اقرب الموارد).  
   مترادف1- بيشرمي، پردهدري، رسوايي، هتاكي 2- رسوا شدن  
   انگلیسیtaqtak  
   عربیtaqtak  
   ترکیzorbalık  
   فرانسویintimidation  
   آلمانیmobbing  
   اسپانیاییacoso  
   ایتالیاییbullismo

   **تشریح نگارش** (هوش مصنوعی)

   کلمه "تهتک" به معنی "تحقیر" یا "توهین" در زبان فارسی به کار می‌رود. در نوشتن این کلمه و استفاده از آن، توجه به نکات زیر مهم است:

   1. **نوشتار صحیح**: کلمه "تهتک" به این صورت نوشته می‌شود و از نظر املایی درست است.
   2. **استفاده در جملات**: برای نشان دادن مفهوم این کلمه می‌توان به جملات زیر اشاره کرد:
      * او هیچ‌گاه اجازه نمی‌دهد که کسی به او تهتک کند.
      * فعل تهتک کردن در این جمله به معنای تحقیر کردن است.

   در کل، "تهتک" یک واژه‌ای است که در متون انتقادی یا اجتماعی ممکن است به کار رود، اما باید با احتیاط و با توجه به بافت اجتماعی و فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد.

   **مثال برای واژه** (هوش مصنوعی)

   1. او به دلیل رفتارهای نامناسب و تهتک خود در جمع دوستانش مورد سرزنش قرار گرفت.
   2. با تهتک کردن دیگران، او به احساسات آن‌ها آسیب زد و رابطه‌شان را مختل کرد.
   3. در کتابی که خواندم، نویسنده به تأثیرات منفی تهتک بر روحیه انسان‌ها اشاره کرده بود.

   https://lamtakam.com/dictionaries/dehkhoda/223885/%D8%AA%D9%87%D8%AA%DA%A9 [↑](#footnote-ref-2)
3. مفردات ألفاظ القرآن       573

   الْعِفَّةُ: حصول حالة للنّفس تمتنع بها عن غلبة الشّهوة، و الْمُتَعَفِّفُ‏: المتعاطي لذلك بضرب من الممارسة و القهر، و أصله: الاقتصار على تناول الشي‏ء القليل الجاري مجرى‏ الْعُفَافَةِ، و الْعُفَّةِ، أي: البقيّة من الشي‏ء، أو مجرى‏ الْعَفْعَفِ‏، و هو ثمر الأراك، و الِاسْتِعْفَافُ‏: طلب العفّة. قال تعالى: وَ مَنْ كانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ‏ [النساء/ 6]، و قال: وَ لْيَسْتَعْفِفِ‏ الَّذِينَ لا يَجِدُونَ نِكاحاً [النور/ 33].

   فرهنگ ابجدى    متن    616    العَفَّة- ج‏ عَفَّاف‏ [عفّ‏]: مرادف (العَفيفَة) است.العِفَّة- مص، روى گردانى از خواهشهاى نفسانى، پاكى تن، پاكدامنى

   كتاب العين    ج‏1    92    العِفَّة: الكف عما لا يحل. و رجل‏ عَفِيف‏، يَعِفُ‏ عِفَّة، و قوم‏ عَفُّونَ‏، قال العجاج:

   مجمع البحرين    ج‏5    103    قال بعض الشارحين: الاسْتِعْفَافُ‏: طلب العفاف، و التَّعَفُّفُ‏ هو الكف عن الحرام و السؤال من الناس. و قيل‏ الاسْتِعْفَافُ‏: الصبر و النزاهة عن القبائح، يقال‏ عَفَ‏ عن الشي‏ء يَعِفُ‏ عِفَّةً فهو عَفِيفٌ‏. و منه" اللهم إني أسألك‏ العِفَّةَ و الغنى". و عِفَّةُ الفرج: صونه عن المحرمات.

   تاج العروس من جواهر القاموس    ج‏12    394    وَ اعْتَفَ‏ الرِّجُلُ: من‏ العِفَّةِ، قال عَمْرُو بنُ الأَهْتَمِ:فالأول: العِفّة: الكفُّ عمّا لا ينبغى. و رجل‏ عفٌ‏ و عفيف‏. و قد عَفَ‏ يَعِفُ‏ [عِفّةً] و عَفَافة و عَفَافًا.و الأصل الثانى: العُفَّة: بقيّة اللّبن فى الضَّرع.\* و هى أيضاً العُفافة. [↑](#footnote-ref-3)
4. معدن الجواهر و رياضة الخواطر / 26 / باب ذكر ما جاء في اثنينوَ قَالَ ع‏: قَصَمَ ظَهْرِي رَجُلَانِ عَالِمٌ مُتَهَتِّكٌ وَ جَاهِلٌ مُتَنَسِّكٌ‏ هَذَا يُضِلُّ النَّاسَ عَنْ عِلْمِهِ بِتَهَتُّكِهِ وَ هَذَا يَدْعُوهُمْ إِلَى جَهِلِهِ بِتَنَسُّكِهِ. [↑](#footnote-ref-4)
5. الِاسْتِعْفَافُ‏: طلب العفّة. قال تعالى: وَ مَنْ كانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ‏ [النساء/ 6]، و قال: وَ لْيَسْتَعْفِفِ‏ الَّذِينَ لا يَجِدُونَ نِكاحاً [النور/ 33]. [↑](#footnote-ref-5)
6. **الكافي (ط - الإسلامية) ؛ ج‏2 ؛ ص79**بَابُ الْعِفَّةِ

   1- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْ‏ءٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ.

   2- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ حَنَانِ بْنِ سَدِيرٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع‏ إِنَّ أَفْضَلَ الْعِبَادَةِ عِفَّةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ.

   3- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص يَقُولُ‏ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْعَفَافُ.

   4- عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‏ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ مُعَلًّى أَبِي عُثْمَانَ‏ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع إِنِّي ضَعِيفُ الْعَمَلِ قَلِيلُ الصِّيَامِ وَ لَكِنِّي أَرْجُو أَنْ لَا آكُلَ إِلَّا حَلَالًا قَالَ فَقَالَ لَهُ أَيُّ الِاجْتِهَادِ أَفْضَلُ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ.

   5- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ أَكْثَرُ مَا تَلِجُ بِهِ أُمَّتِي النَّارَ الْأَجْوَفَانِ الْبَطْنُ وَ الْفَرْجُ.

   6- وَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص‏ ثَلَاثٌ أَخَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي الضَّلَالَةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ وَ مَضَلَّاتُ الْفِتَنِ‏ وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ.

   7- أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ مَيْمُونٍ الْقَدَّاحِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ ع يَقُولُ‏ مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ.

   8- مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: مَا مِنْ عِبَادَةٍ أَفْضَلَ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ عِفَّةِ بَطْنٍ وَ فَرْجٍ. [↑](#footnote-ref-6)
7. الأعراف : 33 قُلْ إِنَّما حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَنَ وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ أَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ ما لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطاناً وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ ما لا تَعْلَمُونَ [↑](#footnote-ref-7)
8. المحاسن / ج‏1 / 197 / 1 باب العقل ..... ص : 191 ......عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع و...... وَ الْفَهْمُ وَ ضِدَّهُ الْحُمْقَ وَ الْعِفَّةُ وَ ضِدَّهَا الْهَتْكَ وَ الزُّهْدُ وَ ضِدَّهُ الرَّغْبَةَ وَ....." [↑](#footnote-ref-8)
9. من لا يحضره الفقيه / ج‏4 / 75 / باب نوادر الحدود ..... ص : 71

   5149- وَ خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع النَّاسَ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى حَدَّ حُدُوداً فَلَا تَعْتَدُوهَا وَ فَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تَنْقُصُوهَا وَ سَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ لَمْ يَسْكُتْ عَنْهَا نِسْيَاناً لَهَا فَلَا تُكَلَّفُوهَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَكُمْ فَاقْبَلُوهَا ثُمَّ قَالَ عَلِيٌّ ع حَلَالٌ بَيِّنٌ وَ حَرَامٌ بَيِّنٌ وَ شُبُهَاتٌ بَيْنَ ذَلِكَ فَمَنْ تَرَكَ مَا اشْتَبَهَ عَلَيْهِ مِنَ الْإِثْمِ فَهُوَ لِمَا اسْتَبَانَ لَهُ أَتْرَكُ وَ الْمَعَاصِي حِمَى‏ اللَّهِ‏ عَزَّ وَ جَلَّ فَمَنْ يَرْتَعْ حَوْلَهَا يُوشِكْ أَنْ يَدْخُلَهَا. الوافي / ج‏1 / 197 / 15 ..... ص : 197

   133/ 15/ الفقيه، 4/ 75/ 5149 خطب أمير المؤمنين ع الناس فقال‏ إن اللَّه تعالى حد حدودا فلا تعتدوها و فرض فرائض فلا تنقضوها و سكت عن أشياء لم يسكت عنها نسيانا لها فلا تتكلفوها رحمة من اللَّه لكم فاقبلوها ثم قال علي ع حلال بين و حرام بين و شبهات بين ذلك فمن ترك ما اشتبه عليه من الإثم فهو لما استبان له أترك و المعاصي حمى‏ اللَّه‏ عز و جل فمن يرتع حولها يوشك أن يدخلها.

   وسائل الشيعة / ج‏27 / 169 / 12 - باب وجوب التوقف و الاحتياط في القضاء و الفتوى و العمل في كل مسألة نظرية لم يعلم حكمها بنص منهم ع ..... ص : 154

   33515- 52- مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ عُثْمَانَ الْكَرَاجُكِيُّ فِي كِتَابِ كَنْزِ الْفَوَائِدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ طَالِبٍ الْبَلَدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ جَعْفَرٍ النُّعْمَانِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ سَعِيدِ بْنِ عُقْدَةَ عَنْ شُيُوخِهِ الْأَرْبَعَةِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ الْأَحْوَلِ عَنْ سَلَّامِ بْنِ الْمُسْتَنِيرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ع قَالَ: قَالَ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ ص‏ أَيُّهَا النَّاسُ حَلَالِي حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ- وَ حَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ- أَلَا وَ قَدْ بَيَّنَهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْكِتَابِ- وَ بَيَّنْتُهُمَا لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي وَ بَيْنَهُمَا شُبُهَاتٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ بِدَعٌ بَعْدِي مَنْ تَرَكَهَا صَلَحَ لَهُ أَمْرُ دِينِهِ وَ صَلَحَتْ لَهُ مُرُوَّتُهُ وَ عِرْضُهُ وَ مَنْ تَلَبَّسَ بِهَا وَقَعَ فِيهَا وَ اتَّبَعَهَا كَانَ كَمَنْ رَعَى غَنَمَهُ قُرْبَ الْحِمَى وَ مَنْ رَعَى مَاشِيَتَهُ قُرْبَ الْحِمَى نَازَعَتْهُ نَفْسُهُ إِلَى أَنْ يَرْعَاهَا فِي الْحِمَى أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى أَلَا وَ إِنَّ حِمَى‏ اللَّهِ‏ عَزَّ وَ جَلَّ مَحَارِمُهُ فَتَوَقَّوْا حِمَى‏ اللَّهِ‏ وَ مَحَارِمَهُ الْحَدِيثَ [↑](#footnote-ref-9)
10. المجازات النبوية / 131 / المجاز(95)

    وَ مِنْ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَ السَّلَامُ فِي كَلَامٍ طَوِيلٍ: «وَ لَيْسَ مِنْ مَلِكٍ إِلَّا وَ لَهُ حِمًى، أَلَا وَ إِنَّ حِمَى‏ اللَّهِ‏ مَحَارِمُهُ، فَمَنْ أَرْتَعَ حَوْلَ الْحِمَى كَانَ قَمِناً أَنْ يَرْتَعَ فِيهِ». [↑](#footnote-ref-10)
11. الأمالي (للطوسي) / النص / 381 / [13] المجلس الثالث عشر

    818- 69- أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو سَهْلٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي كَثِيرٍ الْقَاضِي أَبُو يَعْقُوبَ الْفَسَوِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مَكِّيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا السَّرِيُّ بْنُ عَامِرٍ، قَالَ: صَعِدَ النُّعْمَانُ بْنُ بَشِيرٍ عَلَى مِنْبَرِ الْكُوفَةِ، فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ وَ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ) يَقُولُ: إِنَّ لِكُلِّ مَلَكٍ حِمًى، وَ إِنَّ حِمَى‏ اللَّهِ‏ حَلَالُهُ وَ حَرَامُهُ وَ الْمُشْتَبِهَاتُ بَيْنَ ذَلِكَ، كَمَا لَوْ أَنَّ رَاعِياً رَعَى إِلَى جَانِبِ الْحِمَى لَمْ تَثْبُتْ غَنَمُهُ أَنْ تَقَعَ فِي وَسَطِهِ، فَدَعُوا الْمُشْتَبِهَاتِ. [↑](#footnote-ref-11)
12. مهج الدعوات و منهج العبادات / 23 / حرز للإمام جعفر بن محمد الصادق ع ..... ص : 18

    الْحُسْنَى كُلِّهَا عَائِذاً أَصْبَحْتُ فِي حِمَى‏ اللَّهِ‏ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ وَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَرُ وَ فِي حَبْلِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُجْذَمُ وَ فِي جِوَارِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُسْتَضَامُ وَ فِي مَنْعِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُدْرَكُ وَ فِي سِتْرِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ وَ فِي عَوْنِ اللَّهِ الَّذِي لَا يُخْذَلُ اللَّهُمَّ اعْطِفْ عَلَيْنَا قُلُوبَ عِبَادِكَ وَ إِمَائِكَ وَ أَوْلِيَائِكَ بِرَأْفَةٍ مِنْكَ وَ رَحْمَةٍ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ حَسْبِيَ اللَّهُ وَ كَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهًى وَ لَا دُونَ اللَّهِ مَلْجَأٌ مَنِ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ نَجَا كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَ رُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ- فَاللَّهُ خَيْرٌ حافِظاً وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ‏- وَ ما تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ إِلَيْهِ أُنِيبُ‏- فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ‏- شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ وَ الْمَلائِكَةُ وَ أُولُوا الْعِلْمِ قائِماً بِالْقِسْطِ لا إِلهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ‏- إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلامُ‏ وَ أَنَا عَلَى ذَلِكَ مِنَ الشَّاهِدِينَ تَحَصَّنْتُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَ اسْتَعْصَمْتُ بِالْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ رَمَيْتُ كُلَّ عَدُوٍّ لَنَا بِلَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

    مهج الدعوات و منهج العبادات / 242 / و من ذلك دعاء مستجاب ..... ص : 236

    وَ مِنْ ذَلِكَ عُوذَةُ مَوْلَانَا الْكَاظِمِ ص- لَمَّا أُلْقِيَ فِي بِرْكَةِ السِّبَاعِ- بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِيمِ‏ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ أَنْجَزَ وَعْدَهُ وَ نَصَرَ عَبْدَهُ وَ أَعَزَّ جُنْدَهُ وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ- وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِينَ‏ أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ فِي حِمَى‏ اللَّهِ‏ الَّذِي لَا يُسْتَبَاحُ وَ سِتْرِهِ الَّذِي لَا تَهْتِكُهُ الرِّيَاحُ وَ لَا تُحْرِقُهُ الرِّمَاحُ وَ ذِمَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَرُ وَ فِي عِزَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تُسْتَذَلُّ وَ لَا تُقْهَرُ وَ فِي حِزْبِهِ الَّذِي لَا يُغْلَبُ وَ فِي جُنْدِهِ الَّذِي لَا يُهْزَمُ بِاللَّهِ اسْتَفْتَحْتُ وَ اسْتَنْجَحْتُ وَ تَعَزَّزْتُ وَ اسْتَنْصَرْتُ وَ تَقَوَّيْتُ وَ احْتَرَزْتُ وَ اسْتَعَنْتُ بِاللَّهِ وَ بِقُوَّةِ اللَّهِ ضَرَبْتُ عَلَى أَعْدَائِي وَ قَهَرْتُهُمْ بِحَوْلِ اللَّهِ وَ اسْتَعَنْتُ عَلَيْهِمْ بِاللَّهِ وَ فَوَّضْتُ‏ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ‏ حَسْبِيَ‏ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ‏- وَ تَراهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ‏ [↑](#footnote-ref-12)